

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Reports

گزارشها

بهرام رحمانی
۱۶ سپتمبر ۲۰۲۱

پانزدهمین جلسه دادگاه حمید نوری در ستهکلم!

پانزدهمین جلسه رسیدگی به اتهامات حمید نوری، دادیار پیشین زندان گوهردشت کرج و از متهمان اعدام دستهجمعی زندانیان سیاسی در ایران، روز سه‌شنبه ۲۳ شهریور ۱۴۰۰ - ۱۴ سپتامبر ۲۰۲۱ در ستهکلم سویدن، ادامه یافت. این جلسه به شنیدن شهادت رمضان فتحی، از شاکیان پرونده نوری اختصاص داشت. در آغاز دادگاه بندگت هسل بری، وکیل شاهد، با ارائه مدارک پزشکی و مشاوره‌های موکلش گفت که فتحی به‌دلیل صدمات روحی وارده به او در زندان، از افسردگی و اضطراب و آسیب‌های پس از تروما رنج می‌برد و تحت درمان است و این جلسه نباید به درازا کشیده شود. فتحی در سال ۶۰ دستگیر و به زندان اوین منتقل شد. او سه سال پس از دستگیری به خاطر هواداری از سازمان مجاهدین و پخش نشریه در زمان انتخابات ریاست جمهوری، به اتهام محاربه و ارتداد، دو بار به اعدام محکوم شد و این حکم در نهایت به ۱۲ سال زندان تغییر کرد.

فتحی گفت، حسینعلی نیری قاضی هر سه دادگاه او بود. او گفت که برای نخستین بار در سال ۶۲ حمید نوری را در اتاق اعدام در زندان اوین دید. شاهد به موارد متعدد شکنجه در دهه ۶۰، از جمله زدن ۳۵۰ ضربه کابل به کف پای و ضرب و شتم توسط حمید نوری در تونل مرگ اشاره کرد. او دو بار - پانزدهم و بیست‌وپنجم مرداد ۶۷ - به راهروی مرگ برده شد، اما هرگز در برابر هیأت مرگ قرار نگرفت.

فتحی موضوع پخش شیرینی و گفتن جمله «عاشورای مجدد مجاهدین» توسط حمید نوری در جریان اعدام‌ها را تأیید کرد و گفت: «حتما الان خودش (حمید نوری) هم یادش می‌آید.»

شاهد با اشاره به این که نوری به‌همراه لشگری فرم سؤال و جواب او را پر کردند، یادآور شد که راهروی مرگ کاملاً تحت کنترل لشگری، نوری، و ناصریان بود. او گفت که حدود ساعت ۱۱ شب سه‌شنبه ۱۱ مرداد ۶۷، به همراه روح‌الله - که بعداً اعدام شد - شاهد بلند کردن و انداختن اجساد در ماشین بودند و «تا ۳۰ جسد» را شمردند.

فتحی از حضور حمید عباسی در روزهای بعد برای بردن زندانیانی که احکام بیش از ده سال داشتند و انتقال آن‌ها به راهروی مرگ روایت کرد و گفت: «پیش از این‌که این بچه‌ها را ببرند به ما گفته بودند که برویم توی اتاق‌های خودمان. بعد که بردندشان، آن تعدادی که زنده مانده بودند را بعداً ظاهر برگرداندند به بند فرعی روبه‌روی ما. این‌ها که برگشتند با مرس با ما تماس گرفتند. ممکن است بگوئید با توجه به فاصله‌ی چطور توانستند با مرس تماس بگیرند. با توجه به پائین و

بالا بودن، ما بالا بودیم و آن‌ها پائین، از طریق انگشت‌ها و دست‌هایشان به ما پیام دادند. آن‌ها گفتند که اکثر بچه‌ها اتهام‌شان را «مجاهدین» گفته‌اند و اعدام شده‌اند.

این زندانی سیاسی می‌گوید یکی از همبندی‌ها که از جزئیات پرونده و حکم اعدام شکسته شده او خبر داشته به او گفته است که با توجه به این‌که قاضی نیری در هیات مرگ «رئیس» است کمی با احتیاط برخورد کند.

در شب سیزدهم مردادماه رمضان فتحی و دیگر زندانیان توسط عباسی و لشکری برای بازجویی به بند «زیر هشت» منتقل می‌شوند: «لشکری و عباسی و یک نفر دیگر که من حدس می‌زنم نماینده وزارت اطلاعات بود آمدند از من سؤال و جواب کردند: نام، نام خانوادگی، اتهام ... متأسفانه من آن لحظه شهادت‌ش را نداشتم که بگویم «مجاهدین». گفتم هوادار.»

فتحی، در دادگاه شهادت داد که حمید نوری جزو سه نفری بود که زندانیان را برای اعدام‌های جمعی از محلی موسوم به «راهروی مرگ» به محل اعدام می‌برد و در حین اعدام‌ها شیرینی پخش می‌کرد.

رمضان فتحی درباره اضطراب شدید حاکم بر فضای زندان اندکی پیش از شروع اعدام‌ها شرح داد، وقتی که تلویزیون، توزیع روزنامه و ملاقات‌ها را قطع کردند.

این زندانی سابق توضیح داد که در مرداد ۱۳۶۷ با شروع اعدام‌ها شاهد بوده که «ابتدا طناب‌های دار را با فرغون به سوله محل اعدام منتقل می‌کردند.» وی همچنین دیده است که «دمپایی‌های زندانیان اعدام شده را با همان فرغون خارج می‌کردند، و اجساد زندانیان را شبانه با ماشین‌های یخچال‌دار ویژه حمل گوشت از زندان گهرشت خارج می‌کردند.»

فتحی گفت که نوری در ضرب و شتم زندانیان نیز دست داشت و آن‌ها را برای تنبیه به «اتاق گاز» می‌برد. او گفت: «ما را به اتاقی بدون پنجره می‌بردند، زیر درز در پتو می‌گذاشتند تا هوا وارد نشود و زندانیان به حالت اغما بروند و بعد از خروج از این اتاق حمید نوری فرمانده پاسدارانی بود که زندانیان را به‌شدت و با کابل مورد ضرب و شتم قرار می‌داد.» فتحی گفت: «نوری و سایر مسئولین زندان آن‌ها را تهدید می‌کردند و می‌گفتند زمانی می‌رسد که در سلول‌های شما نارنجک خواهیم انداخت.»

فتحی همچنین شاهد بوده است که یکی از زندانیان به اسم ناصر منصوری را از بیمارستان زندان با برانکارد نزد «هیات مرگ» که رئیس آن حسینعلی نیری بوده بردند و در «محاکمه‌ای یک دقیقه‌ای او را به مرگ محکوم کرده و با برانکارد به محل اعدام بردند و اعدام کردند.»

وی همچنین از شواهدی گفت که نشان می‌داد اعدام‌ها در دست انجام است، از جمله وقتی که مسئولان زندان با فرغون طناب‌های دار و دمپایی‌ها را جابه‌جا می‌کردند.

فتحی در عین حال افزود که خودش از جمله کسانی بوده که کامیون حمل اجساد را به چشم دیده است. وی گفت صدای پرتاب کردن اجساد به داخل کامیون بزرگ یخچال‌دار را می‌شنیده. این نکته در شهادت‌های قبلی در این دادگاه نیز پیش‌تر مطرح شده بود.

رمضان فتحی می‌گوید که در یک شب ۳۰ جسد را شمرده است.

رمضان فتحی در طول دوران بازداشت خود دو مرتبه در تاریخ‌های ۱۵ و ۲۵ مردادماه ۱۳۶۷ به راهروی مرگ برده شد اما در برابر هیات مرگ قرار نگرفت. در این جلسه درباره حمید نوری که کلیه شاکیان در آن زمان او را به نام حمید عباسی می‌شناختند و نقش او در کشتارهای تابستان ۶۷ سخن گفت.

بنابرآنچه وکیل فتحی در محضر دادگاه توضیح داد این زندانی سیاسی سابق همچنان از آسیب‌های روحی و روانی حاصل از عملکرد حمید نوری رنج می‌برد و همین مسائل موجب شده که توانایی کار کردن را از دست بدهد و زودتر از موعد مقرر بازنشسته شود.

رمضان فتحی در پاسخ به سؤال دادستان در خصوص روزهای حضورش در زندان گوهردشت می‌گوید: «من یکسال قبل از اعدام‌ها از بند دو زندان گوهردشت به بند سه منتقل شدم و با ایرج مصداقی در آنجا همبند بودم.» این زندانی سیاسی با اشاره به این نکته که اعدام زندانیان سیاسی تنها محدود به تابستان ۶۷ نبوده است از نقش حمید نوری در اعدام‌های سال‌های اول دهه ۶۰ سخن گفت و شهادت داد که او را نخستین بار در سال ۶۲ و در اتاق اعدام زندان اوین هم دیده است.

فتحی گفت در آن زمان حمید نوری جوانی بیست و چند ساله بود اما به گفته او به دلیل «بی‌رحمی زیادش خیلی زود پیشرفت کرد و به مقام معاونت دادیاری رسید.»

دادستان از او پرسید که آیا حمید نوری همان شخصی است که او عباسی می‌نامد؟

فتحی جواب داد: «۱۰۰ درصد. اما فکر کنم آن زمان عینک نداشت.»

رمضان فتحی در پاسخ به تذکر دادستان در خصوص این‌که این دادگاه صرفاً به اعدام‌های سال ۶۷ می‌پردازد گفت که زمینه‌سازی برای این اعدام‌ها از مدت‌ها قبل آغاز شده بود: «دسته‌بندی زندانیان از مدت‌ها پیش از سال ۶۷ آغاز شده بوده و زندانیان حبس ابد یا با محکومیت‌های بالا از مدت‌ها قبل جدا شده بودند تا به وقتش اعدام شوند.»

این زندانی سیاسی سابق اظهارات شهود دیگر این دادگاه در خصوص شکنجه خود در اتاق گاز را تأیید کرده و گفت: «اتاقی کوچک که زندانیان زیادی را وارد آن می‌کردند و این زندانیان در فشاردگی دچار احساس خفگی می‌شدند.»

فتحی درباره تونلی صحبت کرد که پاسدارها تحت نظر حمید نوری درست می‌کردند و زندانیان حین انتقال به اتاق گاز با عبور از این تونل کتک می‌خوردند.

به‌گفته فتحی روز پنج‌شنبه ۶ مردادماه ۶۷ ده نفر از همبندی‌های او را به دادیاری زندان گوهردشت بردند که تحت نظر حمید عباسی(نوری) اداره می‌شد: «او از این افراد سؤال و جواب کرده بود گویا. سؤالاتی مثل نام، نام خانوادگی، اتهام. این بچه‌ها بچه‌های شجاعی بودند و اتهام‌شان را «مجاهدین» گفتند. ما هرچه صبر کردیم این‌ها را نیاوردند به بند تا ساعت ۱۱ شب. وقتی که آمدند ما پرسیدیم که چه خبر؟ گفتند که سؤال و جواب کرده‌اند و با ارباب و وحشت برشان گردانده‌اند به بند و گفته‌اند بروید! می‌آئیم سراغ‌تان.»

به گفته این زندانی سیاسی سابق روز بعد هواخوری برای زندانیان قطع شده و تلویزیون بند را هم از آنجا می‌برند: «استرس و فشاری حاکم شد که چه خبر است و چه اتفاقی دارد می‌افتد؟ ما با هم صحبت می‌کردیم که این کارها برای چیست؟»

رمضان فتحی گفت روز ۸ مردادماه دوباره ده نفری که پیش‌تر برای بازجوئی برده بودند را همراه دو تن از متهمان کرج بردند: «مدتی بعد یکی از متهمان کرجی را به بند برگرداندند و او گفت که هیأت مرگ آمده و جلوی بچه‌ها حکم اعدام و برگه گذاشته‌اند برای وصیت. او همچنین گفت که خیلی از بچه‌ها آنجا بوده‌اند.»

رمضان فتحی ادامه داد پشت بندی که در آن زندانی بوده یک سوله قرار داشت که پاسدارها برای ورود به آن و دیدن آنچه در آن است مشتاق بوده‌اند: «پاسدارها خیلی اشتیاق عجیبی نشان می‌دادند که بروند داخل آن سوله. شنیده بودم گفته بودند دیده‌اند با فرغون طناب می‌برند به آنجا. من بعد دیدم لشکری با یک فرغون دمپائی می‌آید و فهمیدم که دارند بچه‌ها را اعدام می‌کنند.»

این زندانی سیاسی همراه یکی از هم‌بندی‌هایش به نام «روح‌الله» که او هم اعدام شده بود در یکی از شب‌ها از سوراخ پنجره شاهد انتقال اجساد به ماشین‌های حمل جسد بوده‌اند: «ما تا ۳۰ جسد را شمردیم اما قرار گذاشتیم چیزی به بقیه بچه‌ها نگوئیم.»

فتحی گفت در شب‌های بعد «ما می‌دیدیم دو نگهبان، جنازه‌های در پارچه‌های برزنت پوشیده شده را پرت می‌کردند توی اتاق ماشین که شبیه ماشین‌های حمل گوشت بود.»

به گفته فتحی، «ناصر منصوری را که قطع نخاعی بود با برانکارد به هیات مرگ منتقل کرده بودند و کاوه نصارا که بیماری صرع داشت و نمی‌توانست راه برود را یکی از بچه‌های دیگر روی دوشش کشید و برای اعدام به آمفی تئاتر بردند.»

فتحی همچنین از یک زندانی به نام کاوه نثاری نام برد که به علت بیماری صرع روی دوش زندانی دیگری برای اعدام برده شد. شاهد در اظهارات خود چندین بار به ابراهیم رئیسی، رئیس جمهوری فعلی ایران و دادستان وقت کرج، اشاره کرد. او درباره نحوه استفاده و دیدن اطراف از طریق چشم بند و طریقه مورس زدن نیز زندانیان توضیح داد. رمضان فتحی که از سال ۲۰۱۶ برای مدت پنج سال، هفته‌ای دو بار به روانشناس و مشاور مراجعه کرده است، گفت: «بدترین اتفاق در گوهردشت این بود که دوستانم اعدام شدند و من زنده ماندم. فکر می‌کنم به آن‌ها خیانت کردم.»

از سوی دیگر، وکلای مدافع متهم که تلاش می‌کردند به موارد اختلاف میان شهادت شاهد در جلسه امروز و بازجویی‌های انجام شده نزد پولیس بپردازند، مواردی مانند زمان وقوع اعدام افراد، تعداد برگه‌های امضاء شده در زندان، عدم شناسایی برخی عکس‌ها توسط شاهد در بازجویی پولیس، و تفاوت روایت شاهد با نوشته‌های ایرج مصداقی در کتاب‌هایش، را مطرح کردند.

حمید نوری به اتهام مشارکت در اعدام‌های دسته‌جمعی زندانیان سیاسی در سال ۱۳۶۷، در دادگاهی در ستهکلم سویدن محاکمه می‌شود.

وکلای او بارها و از ابتدای برگزاری این دادگاه، اتهامات وارد شده به نوری را رد کرده‌اند. خودش نیز گفته است اتهامات را قبول ندارد و اگر چه به عنوان «کارمند دفتری» در زندان گوهردشت خدمت کرده اما در دوران اعدام‌های تابستان ۱۳۶۷، به دلیل به دنیا آمدن فرزندش، در مرخصی بوده است.

نوری ۱۸ آبان ۱۳۹۸ در ستهکلم بازداشت شد و اولین مقام قضائی جمهوری اسلامی است که در خارج از ایران به دلیل نقش داشتن در اعدام دسته‌جمعی زندانیان سیاسی در سال ۱۳۶۷ محاکمه می‌شود.

دادگاه حمید نوری، در ستهکلم از روز سه‌شنبه ۱۹ مرداد ۱۴۰۰-۱۰ اوت ۲۰۲۱ آغاز شده است. کریستینا لیندهوف کارلسون، دادستان پرونده او گفته است که بنا به مدارک و دلایل متقن، نوری در اعدام حداقل ۴۰۰۰ زندانی سیاسی نقش داشته است.

کیفرخواست صادره علیه نوری از طرف بخش دادستان کشوری سویدن علیه جرایم بین‌المللی و جنایت سازمان‌یافته و به‌طور خاص از سوی کریستینا لیندهوف کارلسون، صادر و به مقامات قضائی سویدن تحویل داده شده است.

در دادگاه حمید نوری تاکنون ایرج مصداقی، نصرالله مردانی، مهدی برجسته‌گرمودی، همایون کویانی، سیامک نادری و محسن اسحاقی شهادت داده‌اند.

روند محاکمه حمید نوری تا آوریل سال آینده میلادی ادامه خواهد داشت. او اولین مقام ایرانی است که در یک دادگاه خارجی به اتهام مشارکت در اعدام‌های تابستان ۱۳۶۷ محاکمه می‌شود.

جلسه بعدی دادگاه روز پنج‌شنبه ۲۵ شهریور -۱۶ سپتامبر برگزار خواهد شد.